

معرفی بزرگان کوفه در کتاب «اعلام الکوفه»

چکیده

کوفه از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام است که همواره کانون تحولات بزرگی بوده و کتاب‌های بسیاری دربارهٔ این شهر نوشته شده است.

کتاب اعلام الکوفه، تاریخ محلی کوفه است که مؤلف آن، آقای سید مضر الحلو به بررسی این شهر پرداخته و در آن، زندگینامهٔ تمامی مشاهیر کوفه را از بدو تأسیس تا پایان قرن چهارم به ترتیب الفبا آورده است. این کتاب در نه جلد تدوین شده و مؤلف در آن به هریک از حروف الفبا یک شماره اختصاص داده و در مجموع ۶۳۴۶ تن از نامداران کوفه، اعم از صحابه، عالمان، مفسران، مورخان، مؤلفان، ادیبان، قاریان، طبیبان، خلفا و... را معرفی کرده است.

حجت‌الاسلام آقای سید مضر الحلو از سخنوران نامدار بصره است که پس از مهاجرت به سوریه در این کشور به وعظ و خطابه مشغول شده است. او در مقدمهٔ کتابش به‌اجمال دربارهٔ تاریخ کوفه و نقش آن در رونق فرهنگی و اجتماعی شیعیان پرداخته است. نوشتار پیش رو پس از معرفی مؤلف و اثر گرانسنگ او، دربارهٔ هریک از مجلدات نه‌گانهٔ کتاب، توضیح مختصری داده و سپس چند تن از بزرگانی که زندگینامهٔ آنها در آن جلد آمده را معرفی کرده است.

واژگان کلیدی: اعلام الکوفه، سید مضر الحلو، کوفه، مشاهیر.

کتاب وزین «أعلام الكوفة: موسوعة تعنى بتراجم أعلام الكوفة منذ تأسيسها سنة سبع عشرة للهجرة إلى نهايات القرن الرابع الهجرى» تأليف السيد مُصَرِّحُ الحُلُو، توسط انتشارات دارالمورخ العربى در بيروت، به سال ۱۴۳۵ق (۲۰۱۴م / ۱۳۹۳ش) در قطع وزیری و در نه جلد به چاپ رسیده است.

مقدمه

«تاریخ محلی» قسمی از تاریخ است که به بررسی ویژه یک شهر یا منطقه می‌پردازد. از دیرباز شهرهایی برای جهان اسلام و شیعه معروف و مشهور بوده و به عبارت دیگر، نقشی کلیدی در تحولات تاریخی داشته‌اند. برخی مورخان، نگاه ویژه‌ای به برخی شهرها داشته‌اند و به بررسی ویژه آن شهرها و مناطق پرداخته‌اند. مثلاً کتاب‌هایی درباره شهرهای مدینه، مکه، کوفه و شام در طول تاریخ اسلام نگاشته شده است که اکنون اهمیت به‌سزایی در شناخت ما از آن شهرها و اوضاع فرهنگی اجتماعی سیاسی آن مناطق دارد.

کوفه یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام است که از دیرباز، تحولات بزرگی را شاهد بوده است. حضور سپاه اسلام در آن منطقه، حضور امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام در این شهر، قیام مسلم بن عقیل و مختار ثقفی و... این شهر را به کانون تحولات اسلامی به‌ویژه در چهار قرن اول هجری تبدیل کرده است. کوفه از همان ابتدای تأسیس شاهد حضور دوستان و ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیز بوده است. درباره این شهر شیعی،

کتاب‌های فراوانی نگاشته شده است؛ از جمله: «الکوفة نشأة المدينة العربية الاسلامية» تألیف هشام جعيط؛ «الکوفة و أهلها فی صدر الاسلام» اثر صالح احمد علی؛ «کوفه از پیدایش تا عاشورا» تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی و «نقش کوفه در گسترش تشیع تا قرن چهارم هجری» اثر فرهاد نعمتی. جناب حجت‌الاسلام سید مضر حلو نیز این اثر را درباره شخصیت‌ها و بزرگان منسوب به کوفه نگاشته است.

معرفی مؤلف

حجت‌الاسلام سید مضر الحلو، فرزند حجت‌الاسلام سید جابر الحلو، یکی از خطیبان معروف بصره است. وی به سال ۱۹۵۲م. در بصره متولد شد. او پنجمین و کوچک‌ترین پسر سید جابر است که پس از تحصیل مقدمات در مدارس بصره، همچون پدر، در همان دوران نوجوانی به خطابه روی آورد و در اندک زمانی، یکی از منبری‌های معروف بصره شد. پس از مدتی ابتدا به کویت و سپس به سوریه مهاجرت کرد و در جوار مرقد مطهر حضرت زینب (علیها السلام) سکنی گزید و کار خطابه و وعظ و منبر را در آن کشور ادامه داد.

وی کتاب دیگری با نام «البيان عما فی لسان الميزان: دراسة مقارنة بين الكتب الرجالية الاربعة عند الامامية و کتاب لسان الميزان لابن حجر العسقلانی» نیز نگاشته است که در قم، توسط مجمع الذخائر الاسلامیه به چاپ رسیده است. نیز دو مقاله نگاشته که در مجله «الفکر الاسلامی» به چاپ رسیده است.

زندگینامه مختصر وی در مجله الموسم، شماره ۵۷ و ۵۸ (۱۴۲۷ق) از صفحه ۴۰۹ تا ۴۱۲ در مقاله‌ای با نام «اعلام فی دائرة الضوء الوجیه السید مضر الحلو» به چاپ رسیده است. همچنین مورخ معاصر عراقی، دکتر سلیم جیوری، در شماره ۸ و ۹ مجله وزین «الارشیف»، در مقاله‌ای با عنوان «السید مضر الحلو من ذخائر عراقی المهجر» به معرفی این مؤلف پرداخته است.

دانشور مورخ سید حسن امین (م ۱۴۲۳ق) هنگامی که مطلع شد سید مضر حلو مشغول تدوین کتاب وزین «اعلام الکوفه» است، در نامه‌ای به تاریخ ۲۰۰۳/۳/۲۸ از تلاش‌های مؤلف تقدیر و تشکر کرده است.

توصیف کتاب

این کتاب همان گونه که از نامش پیداست، درباره مشاهیر و بزرگان و محدثان کوفه، از ابتدای تأسیس آن در سال ۱۷ هجری، تا پایان قرن چهارم است. البته همه این مشاهیر کوفی نیستند؛ بلکه مؤلف حتی زندگی نامه کسانی از بزرگان که مدتی در کوفه ساکن بوده اند را آورده است. روش مؤلف این بوده است که زندگی نامه همه مشاهیر با هر مذهبی را بیاورد. بنابراین زندگینامه مشاهیر اهل سنت را نیز آورده است.

کتاب به ترتیب الفبایی است و هر حرفی، جداگانه شماره گذاری شده است. مثلاً در حرف الف از آدم بن ابی ایاس (شماره ۱) آغاز می کند و به ایوب هجیمی (شماره ۶۵۴) به پایان می رساند و هنگامی که حرف دیگر آغاز می شود، شماره گذاری مجدد از یک آغاز می شود. مصادر هر جلد، در پایان همان جلد آمده است.

مؤلف در این کتاب، به معرفی و بیان زندگی نامه این گروه ها می پردازد: صحابه (۴۶۲ نفر)، تابعین (۹۹۷ نفر)، عالمان و محدثان (۶۷۳۴ نفر)، مفسران (۱۱ نفر)، مورخان (۱۱ نفر)، مصنفان و مؤلفان (۸۵۲ نفر)، شاعران و ادیبان (۳۸۴ نفر)، نحوی ها و صرفی ها (۸۰ نفر)، قاریان (۱۲۵ نفر)، طبیبان (۵ نفر)، خوانندگان (۲۷ نفر)، خلفا و والیان (۱۶۷ نفر)، قاضیان (۷۵ نفر).

آمار افرادی که در این کتاب از آنان نام برده است:

حرف الف (۶۵۴)، حرف ب (۲۰۳)، حرف ت (۹)، حرف ث (۴۹)، حرف ج (۱۸۹)، حرف ح (۷۱۴)، حرف خ (۱۵۱)، حرف د (۶۸)، حرف ذ (۱۳)، حرف ر (۱۳۴)، حرف ز (۲۰۴)، حرف س (۵۰۲)، حرف ش (۹۲)، حرف ص (۱۰۰)، حرف ض (۳۰)، حرف ط (۵۳)، حرف ظ (۶)، حرف ع (۷۴۲)، حرف غ (۳۰)، حرف ف (۸۸)، حرف ق (۱۶۶)، حرف ک (۱۷۶)، حرف ل (۱۶)، حرف م (۷۶۴)، حرف ن (۱۱۵)، حرف هـ (۱۴۰)، حرف و (۸۵)، حرف ی (۲۸۰)، کنیه ها و لقب ها (۴۱۵)، زنان (۱۱۹)، مستدرکات (۳۹).

در مجموع، زندگی نامه ۶۳۴۶ نفر در این کتاب آمده است. البته برخی در حد یک سطر یا دو سطر است. جلد نهم نیز نمایه اثر است.

مقدمه کتاب

مؤلف در ۱۴ صفحه مقدمه کتاب، به توصیف بسیار موجز و مختصر تاریخ کوفه و نقش آن در رونق فرهنگی و اجتماعی شیعیان می‌پردازد.

جلد اول

جلد اول شامل زندگی‌نامه ۶۵۴ شخصیت که نام آنان با «آ - الف و همزه» و ۲۰۳ شخصیت که با «باء» آغاز شده، می‌باشد. جلد اول، با شرح حال تقریباً یک صفحه‌ای «آدم بن ابی ایاس» آغاز می‌شود. وی از محدثان اهل سنت است که اصالتاً خراسانی است و چند صباحی در کوفه زندگی کرده است. به زندگی‌نامه چهار شخصیت شیعه که در جلد اول آمده است، اشاره می‌کنیم:

أحمد بن الازهر

«ابن زاهر بن منیع بن سلیط بن ابراهیم عبدی» (م ۲۶۱)، محدث خراسان در زمان خودش بود. سید امین، تشیع او را ظاهر دانسته است. او به کوفه مهاجرت کرد و به فراگیری حدیث پرداخت. وی عبدالله بن نمیر و طبقه او را درک کرده است. او از عبدالرزاق، از معمر، از زهری، از عبیدالله بن عبدالله، از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر به علی رضی الله عنه نگاه کرد و فرمود: «أنت سید فی الدنيا، و سید فی الاخرة و من أحبک فقد أحببنی، و حبیبی حبیب الله، و عدوک عدوی، و عدوی عدو الله، و الویل لمن أبغضک من بعدی»؛ تو در دنیا و آخرت آقایی و هر کس تو را دست دارد، مرا دوست دارد و دوست من، دوست خداست. دشمن تو دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست. وای بر کسی که پس از من، تو را ناراحت کند!

ذهبی در «میزان الاعتدال» ذیل این حدیث می‌نویسد: «قلب شهادت می‌دهد که این حدیث باطل است!» به جانم سوگند از چه زمانی احادیث با میل قلب و هوا رد می‌شوند؟! (ص ۱۲۲)

اویس قرنی

اصلش از یمن است. در زمان رسول خدا ﷺ مسلمان شد، ولی او را ندید. در زمان عمر بن خطاب به کوفه مهاجرت کرد و آن را وطن خود قرار داد. او بزرگ تابعان و یکی از حواریون است. عابد و زاهدی است که در طبقه اول تابعان کوفه قرار می گیرد. امام علی علیه السلام را در جنگ صفین همراهی کرد و به سال ۳۷ هجری وفات کرد. (ص ۳۶۱)

برید بن ابی‌زیاد

هاشمی، مولی بنی‌هاشم، ابو عمرو کوفی است و برادر یزید بن ابی‌زیاد مولی عبدالله بن حارث بن نوفل. بخاری حدیثی را به سند او از ام هانی چنین نقل کرده است:

«أهدیت للنبی ﷺ حلة سیراء فأعطاها علیاً فقال: لم أکسک لتلبسها، لا أرضی لک ما لا أرضی لنفسی، هی خمر للفواطم»؛ به پیامبر حله‌ای (لباس یا پارچه ابریشمی) نیکو هدیه آوردند. آن را به علی علیه السلام داد و فرمود: نپوشانم تو را تا لباست شود؛ راضی نمی شوم برای تو مگر به آنچه برای خود راضی باشم. آن خمر (پوشش و مقعنه) نیز برای فاطمه است.^۱

شیخ طوسی ایشان را از جمله روایان امام صادق علیه السلام شمرده است. نیز از ابوظیفیل عامر بن واثل لثی، شرحبیل بن سعد و مسیب بن رافع نیز حدیث نقل کرده است. بزرگانی چون جریر بن عبدالحمید، سفیان ثوری و ابوزبید عثر بن قاسم از او روایت کرده‌اند. (ص ۳۹۳)

برید بن معاویه

«أبو القاسم عجلی کوفی» یکی از بزرگان شیعه در کوفه، فقیه، مصنف، مقرب به ائمه اهل بیت علیهم السلام و ممدوح و پسندیده شده نزد آنان بود. از امامان باقر و صادق علیهم السلام و مالک بن اعین حدیث نقل کرده است. ابن ابی عمیر و علی بن عقبه بن خالد اسدی و ثعلبه بن زید و... نیز از او روایت کرده‌اند. این محدث بزرگ در سال ۱۵۰ قمری در کوفه وفات یافت. (ص ۳۹۸)

جلد دوم

جلد دوم شامل زندگی نامه ۹ شخصیت است که نام‌های آنان با حرف «تاء» و ۴۹ شخصیت که با «ثاء» و ۱۸۹ شخصیت که با «جیم» و ۷۱۴ شخصیت که با «حاء» آغاز شده است. به زندگی نامه چهار شخصیت شیعه در این جلد اشاره می‌کنیم:

حریز بن عبدالله

«ابن ابی حریز بن الحسین السجستانی» و معروف به «أبو عبدالله ازدی کوفی». به سجستان نسبت داده می شود، زیرا بسیار به آنجا رفت و آمد می کرد و مدتی در آنجا قاضی بود. وی از اهالی کوفه بود، اما به سجستان رفت و در همان جا به قتل رسید. وی از بزرگان، محدثان و مصنفان بزرگ شیعه است. طوسی او را از کسانی شمرده که از امام جعفر صادق علیه السلام و زراره بن اعین و محمد بن مسلم روایت کرده است. نیز حماد بن عیسی جهنی و یونس بن عبدالرحمن از او روایت کرده اند. وی کتاب هایی همچون کتاب الزکاة و الصلاة و الصیام و النوادر نوشته است. وی در سجستان به اصحاب و یاران خود فتوا داد: هر کس امیرالمومنین علیه السلام را سب کند، او را بکشید. پس خوارج بر او و اصحابش خروج کردند، در حالی که در مسجد بودند و سپس مسجد را بر سرشان خراب کردند و او را کشتند. (ص ۲۱۲)

حبشی بن جناده

«ابن نصر بن امامة بن الحارث بن معیط بن عمرو بن جندل بن مرة بن صعصعه، سلولی، ابوالجنوب». در حجة الوداع همراه پیامبر بود. سپس به کوفه رفت و در آنجا ساکن شد. تعدادی از احادیث در فضل امیرالمومنین علیه السلام را از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده است. از یاران امام علی علیه السلام بود و همه جنگ های حضرت را درک کرد و در کنار او بود. مردی به او گفت: «ما أتخوف عليك إلا مسيرك مع علي»؛ چیزی جز همراهی تو با علی، باعث نگرانی من درباره تو نمی شود! ابن جناده پاسخ داد: «ما من عملی شیء ارجی عندی منه»؛ هیچ عملی جز آن (همراهی و در مسیر بودن امام علی علیه السلام) نزد من مایه امیدواری نیست. شیخ طوسی او را از نویسندگان شیعه دانسته است. (ص ۱۶۴)

مجدالدین حسن بن حسین

طاهر، از نسل زید شهید و از ساکنان کوفه بود. او سید فاضل و جلیل و شاعری برجسته بود. در ربیع الاول ۶۲۴ به ولایت و نقابت طالبین منصوب شد. وی در سال ۵۷۱ در کوفه متولد شد، اما به بغداد مهاجرت کرد. هنگامی که مستنصر عباسی کار مدرسه مستنصریه را تمام کرد، قصیده ای سرود که مطلع آن چنین است:

و عمرت مدرسة امر
ت بسمکها و بنائها

أسرت عیون الناظریه
لیست مدارس من ماضی
و سمت بالمستصریہ
ن بحسنها و بهائها
فی الحسن من نظرائها
ة منتهی أسمائها

وی در سال ۶۴۵ در بغداد درگذشت، اما جسدش به کوفه منتقل و در سهله به خاک سپرده شد. (ص ۲۳۲)

حسن بن سعید

«ابن حماد حسن بن سعید بن مهران»، مولی علی بن الحسین علیه السلام کوفی اهوازی و برادر حسین بن سعید اهوازی، یکی از بزرگان و فقیهان و مصنفان و راویان بزرگ شیعه و عالم و فاضلی با آثار و مناقب فراوان شناخته می شود. نجاشی در رجالش می نویسد که وی ۵۰ کتاب خودش و ۳۰ کتاب دیگر با کمک برادرش حسین نگاشته است. شیخ طوسی وی را از راویان امام رضا و جواد علیهما السلام می شمارد. او از اهالی کوفه بود که به اهواز کوچ کرد و در آنجا ساکن شد. ظاهراً هنگامی که امام رضا علیه السلام در خراسان بوده اند، از مقربان ایشان در آن دیار بوده است. حسن بن سعید کسی است که بزرگانی همچون علی بن مهزیار، اسحاق بن ابراهیم حنینی و اسحاق بن ریان به خدمت او رسیده و از او حدیث و روایت شنیده اند.

وی از راویان امامان رضا و جواد علیهما السلام و صفوان بن یحیی است. نیز بزرگانی چون احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، حسین بن حسن بن ابان قمی و احمد بن محمد بن خالد برقی از او روایت کرده اند. (ص ۲۴۳)

جلد سوم

جلد سوم شامل زندگی نامه ۱۵۱ شخصیت که نام آنان با حرف «حاء» و ۱۳۴ شخصیت که با «راء» و ۲۰۴ شخصیت که با «زاء» و ۵۰۲ شخصیت که با «سین» آغاز شده، می باشد. به زندگی نامه چهار شخصیت شیعه در این جلد اشاره می شود:

خباب بن ارت

«ابن جندلة بن سعد بن خزیمه بن کعب بن سدد بن زید مناة بن تمیم تمیمی» از قبیله بنی تمیم بود، اما در یکی از جنگ های جاهلیت به اسارت درآمد و زنی از بنی خزاعه به نام

«ام أنمار خزاعیه» او را خرید و به مکه آورد. از طرفی بنی خزاعه هم پیمان بنی زهره شدند؛ لذا به خباب بن ارت، تمیمی، خزاعی و زهری نسبت می دهند که هر کدام بنابر وجوهی است که گفتیم. کنیه وی اباعبدالله، به نقلی ابایحیی و به نقلی دیگر ابامحمد بود.

او از بزرگان و صحابه باسابقه رسول خدا ﷺ است. وی ششمین مسلمان و اولین کسی است که اسلام خود را آشکار کرد؛ لذا قریش او را به شدت شکنجه و اذیت کردند، اما او مقاومت کرد و ایمان خود را به آنان نفروخت. یکی از سخت ترین شکنجه ها آن بود که آتش بر کمرش می گذاشتند؛ به طوری که تا سال ها بعد آثار این شکنجه بر بدن وی مانده بود. از پیشگامان مهاجر و فقیران آنان بود. در جنگ بدر و دیگر جنگ ها در کنار رسول خدا ﷺ بود. بار رسول خدا ﷺ مأنوس و همنشین بود. عثمان او را به روستای «أستینیا» در نزدیکی کوفه تبعید کرد و بدین ترتیب او به کوفه مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد.

وی از پیامبر گرامی اسلام روایت نقل کرده است. نیز بزرگانی چون پسرش عبدالله، حارثه بن مضرب عبدی و سعید بن وهب همدانی از وی روایت کرده اند. در این که آیا در جنگ های سه گانه امام علی علیه السلام حضور داشته یا خیر، بین مورخان اختلاف است. عده ای معتقدند که در جنگ صفین و نهروان حضور داشته است. بنابر نظر عده ای دیگر فقط در صفین حضور داشته و سپس وفات یافته است و بنابر دیدگاه گروه سوم، به سبب بیماری نتوانست در هیچ جنگی حضور یابد.

در سال ۳۷ و به نقلی ۳۹ در حالی که ۷۳ سال داشت، در کوفه درگذشت. امام علی علیه السلام بر بدنش نماز خواند و سپس در پشت کوفه دفن شد. بنابر روایتی، هنگامی که امام علی علیه السلام از جنگ صفین باز می گشت و خواست وارد کوفه شود، کنار قبرش ایستاد و فرمود: «رحم الله خباب بن الأرت، فلقد أسلم رغباً، و هاجر طائعاً، و عاش مجاهداً»؛ خدا رحمت کند خباب بن ارت را که با اختیار و رغبت اسلام آورد؛ مطیع و فرمانبر مهاجرت کرد و مجاهد زیست. (ص ۳۸)

داود بن سلیمان

اصفهانی است و از روستای سنبلان. از کسانی است که وارد کوفه شده و در آنجا امام علی علیه السلام را دیده و از ایشان روایت نقل کرده است. وی می گوید:

«كنت مع أبي في كناسة الكوفة فإذا شيخ أصلع على بغلة له ورد يقال لها دلدل، قد احتوشه الناس، فقلت يا أبة، من هذا؟ قال هذا شاهنشاه العرب على بن أبي طالب»؛ همراه پدرم در کناسه کوفه بودیم که شیخی اصلع را دیدیم سوار بر قاطری که به آن دلدل می گفتند. هنگام ورود آن مرد، مردم وحشت کردند. از پدرم پرسیدم: ای پدر! او کیست؟ گفت: این، شاهنشاه عرب، علی بن ابی طالب است!

وی از ابراهیم بن جریر، عبدالله بن زکریا و محمد بن واقد روایت نقل کرده است. (ص ۷۹)

زید بن ارقم

«ابن زید بن قیس بن النعمان بن مالک الاغر بن ثعلبه» و گفته شده «تغلب بن کعب بن خزرج بن حارث...». یکی از بزرگان صحابه که در هفده جنگ و غزوه در کنار پیامبر حضور داشت. به کوفه مهاجرت کردن و در آنجا ساکن شد. در همه جنگ‌های امام علی علیه السلام حضور داشت و از معدود یاران ویژه ایشان بود. از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام روایت نقل کرده و انس بن مالک و عبدالرحمن ابن ابی لیلی و ابواسحاق سیبسی نیز از او روایت می کنند. در ایام ریاست و خلافت مختار در کوفه، در سال ۶۶ از دنیا رفت. (ص ۲۳۸)

سعید بن عبدالله حنفی

وی آخرین فرستاده کوفیان بود که پیام آنان را به امام حسین علیه السلام رساند که منتظر قدم او هستند. امام حسین علیه السلام پاسخ واحدی به تمام نامه‌های کوفیان نوشت و توسط وی و هانی سیبسی برای مردم کوفه فرستاد. او بسیار اصرار داشت که در پیشگاه امام حسین علیه السلام به شهادت برسد. شب عاشورا، زمانی که امام به همه یاران اذن داد که می توانند بروند و بیعت را از آنان برداشت، سعید گفت: «والله، لا تخلیک حتی یعلم الله أننا قد حفظنا غیبة رسول الله صلی الله علیه و آله فیک...». وی در روز عاشورا به شهادت رسید. (ص ۳۲۹)

جلد چهارم

جلد چهارم شامل زندگینامه ۹۲ شخصیت است که نامشان با حرف «شین» و ۱۳۰ شخصیت که با «صاد و ضاد» و ۵۹ شخصیت که با «طاء و ظاء» و ۷۴۲ شخصیت که با «عین» آغاز می شود. به زندگی نامه سه شخصیت شیعه در این جلد اشاره می کنیم:

طارق بن زیاد

یار امیرالمومنین علیه السلام که همراه او در جنگ نهران و قتال با خوارج حضور داشت. وی از امام علی علیه السلام روایت کرده است و ابراهیم بن عبدالاعلی از او روایت می‌کند. (ص ۱۱۸)

طارق بن عبدالله

«ابن کعب نهدی» از اصحاب و یاران امام علی علیه السلام در کوفه بود، اما پس از آن که امام حد شراب را بر نجاشی شاعر به دلیل شرب خمر در ماه رمضان جاری کرد، چون دوست و رفیق او بود، امام را رها کرد و با نجاشی شاعر به سوی معاویه گریخت. معاویه در حضور او از امام و یارانش بدگویی کرد! طارق با کلام بسیار شیوا و بلیغی سخن معاویه را رد کرد و پس از آن که از امام و یاران او به نیکی یاد کرد، گفت:

«فلم یکن رغبة من رغب عنهم و عن صحبتهم إلا لمرارة الحق حیث جرعوها، ولو عورتها حیث سلکوها، و غلبت علیهم دنیا موثره و هوی متبع...». امام علی علیه السلام بعدها فرمود: «لو قتل النهدی یومئذ لقتل شهیدا»؛ اگر نهدی در آن روز کشته می‌شد، شهید بود. (ص ۱۲۰)

عبدالله بن عمرو بن کبشه نهدی

او یکی از شجاعان کوفه بود که در جنگ صفین، در کنار امام علی علیه السلام جنگید. وی صاحب پرچم قبیله نهد از اهل عراق بود. در این جنگ زخمی و از صحنه خارج شد. وی در قیام مختار ثقفی غالباً در کنار او بود و سرانجام در جنگ بین مختار و مصعب بن زبیر، در سال ۶۷، در نزدیکی کوفه کشته شد. (ص ۴۱۳)

جلد پنجم

جلد پنجم شامل زندگی‌نامه ۱۰۸۲ شخصیت است که نام آنان با حرف «عین» آغاز می‌شود. به زندگی‌نامه دو شخصیت شیعه در این جلد اشاره می‌کنیم:

عمارة بن صلخب ازدی

مردی کوفی است که برای یاری مسلم بن عقیل علیه السلام بر اهل کوفه خروج کرد. سپس دستگیر و زندانی شد. پس از شهادت مسلم و هانی بن عروه، عبیدالله بن زیاد او را خواند و از او پرسید: از کجا هستی؟ گفت: از ازد. ابن زیاد گفت: او را به سوی قومش ببرید و گردن او

را بزیندا پس از کشته شدنش، سر او به همراه سرهای مطهر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه، به سوی یزید بن معاویه فرستاده شد. (ص ۲۹۷)

عمر بن ابراهیم

«ابن محمد بن محمد بن احمد بن علی بن حسین بن علی بن حمزه بن یحیی بن حسین ذی الدمعه بن زید شهید بن علی زین العابدین بن حسین شهید بن علی بن ابی طالب، ابوالبرکات حسینی» فقیه کوفه و مفتی آن، امام و پیشوای نحو و لغت و فقه و حدیث، مفسر، ادیب و شاعر، از اهالی کوفه که در محله سیب کوفه زندگی می کرد، زیدی نسب و مذهب است؛ مگر آن که بر اساس مذهب ابوحنیفه فتوا می داد. در ایام جوانی، همراه پدرش به دمشق و حلب مهاجرت کرد و مدتی در آنجا ساکن شد و از بزرگان حدیث می شنید. نحو را نزد ابی القاسم زید بن علی فارسی نحوی آموخت. کتاب «شرح اللمع لابن جنی» از آثار نحوی اوست. از خطیب بغدادی، ابوالفرج بن خازن، معمر بن محمد حبال روایت کرده است و نیز ابن عساکر و سمعانی و ابونصر اصفهانی از او روایت کرده اند.

در سال ۴۴۲ در کوفه متولد و در ۵۳۹ در همان جا رحلت کرد. مردم کوفه بر پیکر او نماز خواندند. (ص ۳۰۲)

جلد ششم

جلد ششم شامل زندگی نامه ۳۰ شخصیت است که اسامی آنان با حرف «غین» و ۱۵۶ شخصیت که با «فاء و قاف» و ۹۰ شخصیت که با «کاف و لام» و ۶۵۴ شخصیت که با «میم» آغاز می شود. به زندگی نامه پنج شخصیت شیعه در این جلد اشاره می کنیم:

فضال بن حسن

ابن فضال کوفی یکی از عالمان شیعه و اهل مناظره با مخالفان بود. برای او مناظره ای با ابوحنیفه نعمان در تاریخ ثبت شده است. موضوع مناظره اثبات این است که بهترین مردم پس از رسول خدا ﷺ، علی بن ابی طالب علیه السلام است. (ص ۳۶)

فضیل بن غزوان

ابن جریر و فضل نیز گفته شده؛ کوفی، ابوالفضل، ابوعلی، یکی از بزرگان حدیث کوفه

و شیعه امامیه؛ البته برخی گفته‌اند عثمانی بوده است. از امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام و ابی حازم اشجعی و ابی اسحاق همدانی روایت کرده است. پسرش محمد و محمد بن ابی عمیر و یحیی بن سعید قطان از او روایت کرده‌اند. وی در سال ۱۴۰ رحلت کرد و بنا بر قول عده‌ای، در دوره منصور به شهادت رسید. (ص ۵۵)

قاسم بن حبیب

ابن مظاهر، اسدی. پدرش حبیب بن مظاهر کوفی بود که با امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید. قاتل حبیب سر او را بر سر اسبش آویزان کرده بود و با همان حال وارد کوفه شد. قاسم جوان او را دید و قاتل را تعقیب کرد و از او خواست سر پدر را به او واگذارد تا دفن کند، اما قاتل به طمع گرفتن جایزه از عیدالله بن زیاد، ابا کرد. قاسم چند سال بعد قاتل پدر را در لشکر مصعب بن زبیر دید؛ وارد خیمه‌اش شد و او را کشت. (ص ۷۳)

محمد بن احمد بن ابراهیم

جعفی کوفی بصری، معروف به «صابونی» که بین عالمان و فقیهان به «جعفی» معروف است. وی عالم و محدثی کوفی بود که به مصر مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. ابتدا زیدی بود، اما سپس تشیع امامیه اختیار کرد. نجاشی کتاب‌های زیادی را برای او می‌شمارد؛ از جمله کتاب الفاخر، کتاب التوحید و الایمان و کتاب مبتدأ الخلق. شیخ طوسی در رجالش، او را از محدثان و راویان امام هادی علیه السلام می‌شمارد. (ص ۲۴۱)

محمد بن عبدالحمید

ابن سالم، عطار، ابو جعفر کوفی؛ مولی بحیله. یکی از راویان حدیث، از اهالی کوفه، شیعی مذهب و مصنف. کتاب «نوادر» از اوست. وی از امام رضا و حسن عسکری علیه السلام و ابی نعیم فضل بن دکین و سیف بن عمیره روایت کرده است. نیز مفضل بن صالح و احمد بن ابی عبدالله و عیید بن کثیر از او روایت کرده‌اند. (ص ۳۹۲)

جلد هفتم

جلد هفتم شامل زندگی‌نامه ۷۶۴ شخصیت است که نام آنان با حرف «میم» و ۱۱۵ شخصیت با «نون» و ۱۴۰ شخصیت با «هـ» و ۸۵ شخصیت که با «واو» آغاز می‌شود. به

زندگی نامه سه شخصیت شیعه در این جلد اشاره می کنیم:

مشمعل بن سعد

اسدی، کوفی. محدث و مصنف، شیعه امامی، کتاب «الذیات» برای اوست. وی از راویان امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام و ابوبصیر و علی بن ابی حمزه و... است و نیز بزرگانی چون عیسی بن هشام، احمد بن هیثم و علی بن حسن بن رباط از او روایت کرده اند. (ص ۱۷۷)

نوف بن فضاله

ابن جبیر، بکالی حمیری، مولی علی بن ابی طالب علیه السلام، پسر همسر کعب الاحبار، از تابعین است. اصل او از دمشق یا فلسطین یا مصر است. وی بزرگ و پیشوای اهالی دمشق بود، اما به کوفه هجرت کرد و از خواص و یاران امام علی علیه السلام گردید. وی از امام علی علیه السلام و ابویوب انصاری و عبدالله بن عمرو بن عاص و... روایت کرده است. وی سرانجام در روز طوانه، در جنگ همراه با محمد بن مروان، حدود سال ۹۵ هجری کشته شد. (ص ۳۸۰)

هند بن عمرو

ابن جندله و نیز به او جداره، جملی، من مراد و ابوبکر نیز می گویند. تابعی است و جاهلیت را نیز درک کرده است. البته برخی او را صحابی شمرده اند. وی در کوفه ساکن شد و از یاران امام علی علیه السلام در جنگ جمل بود. رجز حماسی او این اشعار بود:

أضربهم جهدی بحد المفصل

والموت دون الجمل المجمل

إن تحملوا قدما علی أحمل

او از کسانی است که در فتح قومس و جرجان، همراه نعیم بن مقرن بود. به سال ۱۷ هجری، خلیفه دوم او را بر نصارای بنی تغلب ولایت داد. وی از امام علی علیه السلام و عبدالله بن مسعود روایت کرده است و اهل کوفه نیز از او روایت کرده اند. وی در جنگ جمل و در رکاب مولا علی علیه السلام به دست عمرو بن یثربی ضبی به شهادت رسید. (ص ۴۴۰)

جلد هشتم

جلد هشتم شامل زندگی نامه ۲۸۰ شخصیت است که نام آنان با حرف «یاء» و ۴۱۵

شخصیت که با کنیه و لقب آغاز می‌شود. در این جلد به زندگی ۱۱۹ زن مشهور کوفی نیز اشاره شده است. به زندگی نامه سه شخصیت شیعه در این جلد اشاره می‌کنیم:

یحیی بن عبدالحمید

«ابن عبدالرحمن بن میمون بن عبدالرحمن» ملقب به شمین، ابوزکریا، حمانی، عکلی و کوفی. یکی از حافظان حدیث شیعه که ده‌ها هزار حدیث حفظ بوده است. او اولین کسی است که کتاب المسند را در کوفه تصنیف کرد. کتاب «المناقب فی اثبات امامه امیرالمومنین علیه السلام» هم از اوست. او به بغداد مهاجرت کرد و از شریک بن عبدالله و قیس بن ربیع و ابوبکر بن عیاش و... حدیث کرده و نیز ابوحاتم رازی، محمد بن ایوب رازی و حسن بن علی بن زیاد و... از او روایت کرده‌اند. وی در سال ۲۳۰ در سامراء رحلت کرد. گفته شده اولین محدثی است که به سامراء مهاجرت و در همانجا رحلت کرد. (ص ۳۹)

آمنه بنت الشرید

همسر عمرو بن حمق خزاعی، کوفی، از شیعیان و یاران امام علی علیه السلام بود. وی فصیح اللسان و حاضر جواب بود. به سبب فرار کردن شوهرش عمرو از سربازان حکومتی، معاویه او را دو سال در زندان دمشق زندانی کرد تا آن که عمرو دستگیر و گردن زده شد و به دستور معاویه، سر عمرو را در زندان آمنه انداختند؛ وی از جا پرید و گفت:

غیبتموه عتی طویلاً و اهدیتموه إلی قتیلاً فأهلاً بها من هدیه غیر قالیه و لا مقبله
مدتی طولانی است که از من پنهان شدی و در حالی که کشته شدی، به سوی من هدایت شدی؛ خوش آمدی.

سپس به حامل سر گفت: به معاویه بگو:

أیتم الله ولدک و أوحش منک أهلك و لا غفر لک ذنبک

خدا فرزندان را یتیم کند؛ خانواده‌ات را از تو بترساند و گناهت را نبخشد.

پس از اطلاع معاویه از سخنان آمنه، او را به مجلسش احضار کرد تا تویخش کند، اما جوابی دندان شکن شنید. به دستور معاویه از شام اخراج شد و در مسیر کوفه، در حمص وفات کرد. (ص ۳۰۱)

عمرة بنت نعمان

همسر مختار بن ابی عبیده ثقفی، همراه وی در کوفه بود. او صاحب ادب و حسب و نسب و شاعره بود. این که در تاریخ دمشق آمده است وی در دمشق ساکن بوده، صحیح نیست؛ زیرا او همراه با همسرش مختار در کوفه زندگی می کرد. احتمالاً خواهر و مادرش در دمشق سکونت داشتند که البته در برخی مصادر به آن اشاره شده است.

مصعب بن زبیر پس از قتل مختار، او و زن دیگر مختار ام ثابت بنت سمر بن جندب را دستگیر کرد و به حضور خواند. سپس از آنان خواست از مختار برائت جویند. ام ثابت برائت جست، اما عمره گفت: همانا او متقی و پاکیزه و صائم بود. مصعب گفت: ای دشمن خدا! تو از کسانی هستی که او را پاک می دانی؟! سپس امر کرد تا گردنش را در جبانه بزنند. گفته شد در شبی بین کوفه و حیره کشته شد. نیز گفته شده عمره به دستور عبدالله بن زبیر کشته شد. عمر بن ابی ربیعہ مخزومی یا عبدالرحمن بن حسان بن ثابت، پس از کشته شدن او این گونه سرود:

إن من أعجب العجائب عندي

قتل بيضاء حرة عطبول

قتلواها بغير جرم أته

إن لله درها من قتيل

كتب القتل و القتال علينا

و على الغايات جر الذبول

قتل وی در سال ۶۷ هجری قمری اتفاق افتاد. (ص ۳۲۶)

جلد نهم

این جلد به فهرست‌های این کتاب اختصاص داده شده است.

پی‌نوشت:

۱. التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۱۳۵.